

ایالات متحده آمریکا و بر ساخت تهدید از برنامه دفاع موشکی ایران

ابراهیم باقری^۱

محمد قیصری^۲

چکیده

برنامه دفاع موشکی، مهم‌ترین بخش راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدات خارجی است. با وجود نبود ممنوعیت حقوقی و بین‌المللی در ارتباط با توسعه برنامه دفاع موشکی ایران، ایالات متحده آمریکا همواره به دنبال تهدیدسازی و بازنمایی آن به مثابه تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی با هدف بازیابی اجماع از دست‌رفته در تحریم‌ها علیه ایران می‌باشد. از منظر مکتب کپنهاگ، امنیتی‌سازی معادل و در تناظر با تهدیدانگاری از پدیده‌ای است که لزوماً ناظر به یک خطر واقعی نیست، بلکه ایجاد باور مشترک و جمعی مبنی بر تهدیدآمیز بودن آن پدیده، مقابله با آن را توجیه‌پذیر می‌کند. بازیگر امنیتی‌ساز (ایالات متحده آمریکا) با بازنمایی یک موضوع (برنامه دفاع موشکی ایران) به عنوان تهدید وجودی، اقدامات فوری و استثنایی برای مقابله با آن را توجیه می‌کند. مبتنی بر فرضیه پژوهش، استراتژی آمریکا برای اجرایی کردن این رویکرد، بر دو ستون «قابلیت برد» و «حمل کلاهدک» موشک‌های ایران استوار است. در این راستا، ایالات متحده آمریکا با برجسته‌سازی برد موشک‌های ایران درصدد معرفی اقدامات ایران در راستای توسعه برد این موشک‌ها تا دستیابی به موشک‌های قاره‌پیما (ICBM) است و از طرف دیگر با تاکید بر قابلیت حمل کلاهدک این موشک‌ها، درصدد بازنمایی آنها به مثابه موشک‌ها بالستیک حامل کلاهدک هسته‌ای است. روش مورد استفاده در این پژوهش، تحلیلی-تبیینی بوده و از ابزار کتابخانه‌ای، اسنادی، منابع الکترونیکی و پایگاه‌های اینترنتی و اظهارات مقامات مربوطه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است.

واژگان کلیدی: برنامه موشکی ایران، بر ساخت تهدید، مکتب کپنهاگ، برد موشکی، قابلیت حمل کلاهدک

۱. دانشجوی دکتری رشته مطالعات منطقه ای (گرایش اروپا) - دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران - پژوهشگر ارشد مسائل اروپا. (نویسنده مسئول)
bagheri68@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد تهران، تهران: ایران. پژوهشگر ارشد مسائل خاورمیانه.
mosari83@gmail.com

جستار گشایی

تهدیدسازی از اقدامات ایران از مهم‌ترین رویکردهای ایالات متحده آمریکا در چارچوب استراتژی فشار حداکثری در دوره ترامپ، با هدف ایجاد اجماع بین‌المللی در اقدام علیه ایران است. این رویکرد بر چهار حوزه برنامه موشکی، برنامه فضایی، برنامه هسته‌ای و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران متمرکز است. پژوهش حاضر به بررسی و واکاوی اقدامات ایالات متحده آمریکا در حوزه تهدیدسازی از برنامه موشکی ایران می‌پردازد که از اولویت بیشتری نیز برای آمریکا برخوردار است، می‌پردازد. برنامه موشکی ایران اگرچه از همان ابتدا مورد توجه ایالات متحده آمریکا بوده است، اما پیشرفت‌های اخیر ایران در توسعه برنامه موشکی مبنی بر نقض موازین و قواعد بین‌المللی، به ویژه قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت مواجهه شده است. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران همواره اعلام کرده است که برنامه موشکی این کشور، در چارچوب راهبرد دفاعی و مبتنی بر الگوی بازدارندگی است و از مشروعیت حقوقی و بین‌المللی لازم برخوردار است. بنابراین پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که در صورت مشروعیت برنامه موشکی ایران یا دست کم نبود ممنوعیت بین‌المللی، ایالات متحده آمریکا چگونه و بر اساس چه مولفه‌ها یا سازوکارهایی درصدد تهدیدسازی از برنامه موشکی ایران و بازنمایی آن به مثابه تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است که قابلیت پذیرش و همراهی عام در جامعه بین‌المللی را داشته باشد؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه پژوهش این است که رویکرد آمریکا در پیشبرد این هدف، بر دو مولفه «برد» و «قابلیت حمل کلاهک» موشک‌های ایران استوار است. در این چارچوب ایالات متحده آمریکا با برجسته‌سازی برد موشک‌های ایران درصدد معرفی اقدامات ایران به منظور دستیابی به موشک‌های قاره‌پیماست و از طرف دیگر با تاکید بر قابلیت حمل کلاهک، درصدد بازنمایی آنها به مثابه موشک‌های بالستیک حامل کلاهک هسته‌ای است. هدف اصلی از این پژوهش، تبیین اهداف ایالات متحده آمریکا در چارچوب استراتژی فشار حداکثری، شناسایی عرصه‌های عملیاتی کردن و پیاده‌سازی این استراتژی (در این مقاله: برنامه موشکی ایران) و سازوکارها و مولفه‌های مورد استفاده در گفتمان امنیتی‌سازی و برساخت تهدید می‌باشد.

در راستای آزمون فرضیه، مقاله حاضر در چهار بخش به بررسی موضوع می‌پردازد. در بخش اول و به منظور ارائه تبیین نظری متناسب با موضوع پژوهش، از نظریه «امنیتی‌سازی»^۱ و برساخت تهدید^۲ که از انگاره‌های اصلی مکتب کپنهاگ^۳ است، استفاده شده است. از منظر مکتب کپنهاگ، امنیتی‌سازی معادل و در تناظر با تهدیدانگاری از یک پدیده واقع می‌شود که لزوماً ناظر به یک خطر واقعی نیست، بلکه ایجاد باور مشترک و جمعی مبنی بر تهدیدآمیز بودن پدیده‌ای، مقابله با آن و تأمین امنیت را توجیه‌پذیر می‌کند. در این چارچوب بازیگر امنیتی ساز (ایالات متحده آمریکا) با بازنمایی یک موضوع (برنامه دفاع موشکی ایران)

1. Securitizing
2. Treat Construction
3. Copenhagen School

به‌عنوان منبع تهدید، اقدامات فوری برای مقابله با آن را توجیه می‌کند. با توجه به روش مورد استفاده در این پژوهش (روش توصیفی-تحلیلی) در بخش دوم، توصیفی از تاریخچه، تحولات و وضعیت کنونی برنامه موشکی ایران ارائه و در بخش سوم به مشروعیت حقوقی آن پرداخته شده است. هدف از طرح بحث حقوقی برنامه موشکی ایران کمک به تبیین و پیشبرد بهتر این موضوع است که با وجود مشروعیت حقوقی برنامه موشکی ایران یا دست کم نبود ممنوعیت بین‌المللی برای توسعه آن، ایالات متحده آمریکا درصدد بازنمایی آن به مثابه تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است که موضوع اصلی پژوهش حاضر در بخش چهارم است. یافته‌های پژوهش در بخش چهارم که بدنه تحلیلی و اصلی پژوهش است، نشان می‌دهد که آمریکا با تمرکز بر دو مولفه «برد» و «قابلیت حمل کلاهک»، درصدد امنیتی کردن و تهدیدسازی از برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران است.

در حوزه چارچوب تفوریک پژوهش حاضر (مکتب کپنهاگ)، کتاب «چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت» (بوزان و دیگران: ۱۳۸۶) نخستین و از مهم‌ترین آثار مربوط به موضوع امنیتی سازی است که به فارسی نیز ترجمه شده است. در این راستا، اثر مذکور در تبیین موضوع امنیتی سازی به عنوان مفهوم محوری مقاله حاضر، سهم به سزایی داشته است. همچنین پژوهش‌های دیگری همچون «نظریه و روش در مطالعات امنیتی کردن» (دهقانی فیروزآبادی و قرشی: ۱۳۹۱)، «نگاه کپنهاگی به امنیتی سازی: مبانی و چالش‌ها» (زارع‌زاده ابرقویی: ۱۳۹۶) و «امنیت بین‌الملل» (شیهان: ۱۳۸۸) انجام گرفته است که اگرچه به تقویت چارچوب نظری پژوهش حاضر کمک می‌نمایند، اما به لحاظ موضوعی به حوزه‌های نظری روابط بین‌الملل تعلق دارند و با موضوع پژوهش که بررسی رویکرد ایالات متحده در امنیتی سازی از برنامه موشکی ایران است، متفاوت است.

ارغوانی پیرسلامی و پیراخو (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تحول فناوری موشکی و راهبرد دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، به برنامه موشکی ایران پرداخته‌اند. نویسندگان اگرچه برنامه موشکی را موضوع پژوهش خود قرار داده‌اند، اما همانگونه که از عنوان آن پیداست، هدف اصلی نگارندگان این مقاله بررسی تاثیر تحول برنامه موشکی بر راهبرد دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران است و از این منظر با مسئله اصلی پژوهش حاضر که بررسی رویکرد ایالات متحده آمریکا در تهدیدسازی از برنامه موشکی ایران است، متفاوت می‌باشد. در پژوهش دیگری با عنوان «برسازی امنیتی فعالیت هسته‌ای ایران» (مرادی‌فر و امیدی: ۱۳۹۳)، امنیتی سازی برنامه هسته‌ای ایران مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله به تبیین و بررسی کنش کلامی رسانه‌ها و نهادهای غربی و ازجمله آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در امنیتی ساختن و بزرگنمایی از برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در دهه ۱۳۸۰ پرداخته است. این پژوهش از این جهت که امنیتی سازی را رویکرد اصلی پژوهش قرار داده، با پژوهش حاضر مشابه است، اما مورد بررسی^۱ آن (برنامه هسته‌ای) با

پژوهش حاضر (برنامه موشکی) متفاوت است و از طرفی به جهت زمانی نیز مقاله مربوط به یک دهه پیش است.

علاوه بر این، آثار متعددی درخصوص برنامه موشکی ایران به لاتین موجود است که در این پژوهش نیز بر حسب نیاز برخی از این آثار مورد بررسی و استفاده قرار گرفته است. باگات (Bahgat: 2019) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی برنامه موشکی بالستیک ایران و برنامه فضایی»^۱ به بررسی برنامه فضایی ایران در بستر برنامه موشکی می‌پردازد. از منظر باگات، برنامه فضایی به مثابه پوششی برای توسعه برنامه موشکی بالستیک ایران است؛ چنین برداشت و خوانشی از برنامه موشکی ایران، رویکرد مسلط تحلیلی در اغلب آثاری است که به زبان لاتین در مورد توسعه برنامه موشکی ایران نوشته شده است. در همین راستا، هیلدرث (Hildreth: 2012, 2020) در گزارشی با عنوان «برنامه موشکی بالستیک و برنامه فضایی ایران»^۲، کوردشمن (Cordesman: 2019) در «تهدید برنامه موشکی ایران»^۳، کاراکو و ویلیامز (Karako and Wiliams: 2017) در «دفاع موشکی ۲۰۲۰»^۴ و کاراکو (Karako: 2019) در «بازنگری دفاع موشکی»^۵ نیز در همان مسیر تحلیلی جریان غالب، برنامه موشکی ایران را به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی و در پیوند با برنامه هسته‌ای مورد بررسی قرار داده‌اند.

ضرورت و اهمیت پژوهش

بعد از توافق هسته‌ای (برجام)، تهدیدسازی از برنامه دفاع موشکی ایران به مهم‌ترین رهیافت ایالات متحده آمریکا با هدف بازیابی اجماع جهانی علیه ایران تبدیل شد. در این راستا ایالات متحده با پیوند زدن برنامه موشکی ایران به موضوع هسته‌ای درصدد حفظ و تداوم گفتمان امنیتی‌سازی پیرامون جمهوری اسلامی ایران است. اهمیت پژوهش حاضر در این است که ضمن طرح فرضیه مذکور، به بررسی این موضوع می‌پردازد که ایالات متحده آمریکا چگونه و مبتنی بر چه سازوکارها و توجیهاتی درصدد پیشبرد این رویکرد است. از طرفی با توجه بدیع و به روز بودن موضوع پژوهش و نوع نگاه آن در بازنمایی اهداف ایالات متحده در تهدیدسازی از برنامه موشکی ایران و کمبود ادبیات پژوهشی در این حوزه به ویژه در زبان فارسی، تولید ادبیات علمی و پژوهشی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. همچنین با توجه به حجم عظیم ادبیاتی که به زبان لاتین و عمدتاً با رویکرد انتقادی از برنامه دفاع موشکی ایران که توجیه‌کننده گفتمان تهدیدسازی و امنیتی‌سازی ایالات متحده آمریکاست، پژوهش‌هایی از این دست ضمن شالوده‌شکنی از این گفتمان و آشکارسازی اهداف آمریکا، می‌تواند راهگشای سیاست‌گذاران دستگاه دیپلماسی و امنیتی کشور باشد.

1. Iran's Ballistic Missile and Space Program: An Assessment

2. Iran's Ballistic Missile and Space Launch Programs

3. The Iranian Missile Threat

4. Missile defense 2020: next steps for defending the homeland

5. The Missile Defense Review

۱- چارچوب نظری پژوهش

امنیتی سازی از انگاره‌های اصلی مکتب کپنهاگ است که از اواسط ۱۹۹۰ و به‌ویژه با انتشار کتاب «چهارچوبی تازه برای تحلیل امنیت»^۱ توسط بری بوزان، الی ویور و جاپ دووید^۲ وارد ادبیات روابط بین‌الملل شد (McDonald, 2008: 5). از منظر مکتب کپنهاگ، امنیتی سازی کنشی کلامی است که به‌صورت بیناذهنی^۳ شکل گرفته و در آن بازیگر امنیتی ساز^۴ با جلوه دادن یک موضوع (مرجع امنیت) به‌عنوان تهدید وجودی، اقدامات فوری و استثنایی برای مقابله با آن را توجیه می‌کند (Stritzel, 2007: 358). امنیتی سازی معادل و در تناظر با تهدیدانگاری یک پدیده واقع می‌شود که خود، محصول درک بیناذهنی اعضای جامعه اعم از داخلی و بین‌المللی است. این مسئله از یک سو نشان دهنده این است که تهدیدها با اتکا به اذهان شکل می‌گیرند و از سوی دیگر تهدیدها لزوماً ناظر به یک خطر واقعی نیستند، بلکه ایجاد باور مشترک و جمعی مبنی بر تهدیدآمیز بودن پدیده‌ای، مقابله با آن را توجیه‌پذیر می‌کند. لذا می‌توان گفت امنیتی سازی، به خارج ساختن یک مسئله از حوزه سیاست عادی و واردسازی آن به قلمرو سیاست اضطراری از طریق بازنمایی آن به مثابه تهدید وجودی اشاره دارد (زارع‌زاده ابرقویی، ۱۳۹۶: ۹۳). ویور امور امنیتی را در تناظر با تهدید ارزیابی می‌کند و معتقد است هر موضوعی زمانی در دایره موضوعات امنیتی قرار می‌گیرد که به‌صورت «تهدید وجودی»^۵ جلوه‌گر شود. به‌عبارتی دیگر امنیتی سازی نمونه شدیدتری از سیاسی کردن است (شیهان، ۱۳۸۸: ۷۵).

از نظر مکتب کپنهاگ، هر کسی می‌تواند پدیده‌ای را امنیتی کند؛ پدیده‌هایی که صرفاً نظامی نبوده بلکه پدیده‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی هم قابلیت امنیتی شدن دارند. بازیگر امنیتی ساز ممکن است فرد، گروه یا دولتی باشد که موضوعات را با اظهار این مسئله که چیزی از لحاظ وجودی در معرض تهدید است، امنیتی می‌سازد (امیدی و مرادی‌فر، ۱۳۹۳: ۱۲۷). تهدید وجودی به حدی از تهدید اشاره دارد که موجودیت را به خطر می‌اندازد و به همین دلیل رسیدگی به آن در اولویت قرار می‌گیرد. از این رو، در طیف مورد نظر ویور، هر چه از موضوعات غیرسیاسی به سمت موضوعات امنیتی حرکت می‌کنیم، تهدید ایجاد شده و فوریت اقدام برای دفع آن بیشتر است. از نظر ویور با استناد به تهدید وجودی، کنشگر قادر است قواعد عادی بازی سیاسی را بشکند (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶: ۵۰). از نظر ویور هرچند در امور امنیتی شده به تهدید وجودی اشاره می‌شود، ولی لزوماً تهدیدی وجود ندارد؛ بلکه یک موضوع یا مرجع امنیتی^۶ از طرف بازیگر یا بازیگران امنیتی کننده‌ای^۷ به‌صورت یک تهدید جلوه می‌کند. از منظر مکتب

1. Security: A New Framework for Analysis
2. Barry Buzan, Ole Waver & Jaap de Wilde
3. Inter Subjective
4. Securitizing Actor
5. Existential Threats
6. Referent object
7. Securitizing actors

کپنهاگ موضوعات از طریق زبان (از طرف بازیگر امنیتی ساز) به مثابه موضوعات امنیتی و متعاقباً تهدید جلوه گر می شوند و زبان به تفسیر و امنیت سازی و تهدید سازی دست می زند (McDonald, 2008: 9). از نظر ویور برای اقناع مخاطب خود به منظور تهدید نشان دادن موضوعی به مثابه تهدید وجودی، کنشگر یا بازیگر امنیتی ساز باید بتواند استدلال ارائه کند. در حقیقت قدرت استدلال علاوه بر ایجاد قطعیت در وجودی بودن تهدید، پذیرش مخاطبان برای انجام اقدامات غیرعادی فوق العاده جهت دفع آن را حتمی می کند. ویور بر این مسئله تأکید می کند که استدلال بازیگر امنیتی کننده علاوه بر نشان دادن تجلی تهدید، باید ارائه دهنده راه چاره و خلاصی از این تهدید باشد. همچنین بازیگر امنیتی ساز هنگامی می تواند مدعی وجود تهدید امنیتی باشد که اشیاء خاصی وجود داشته باشند که از طریق آن ها بتواند تهدید را برای مخاطب (یا متحد خود) مجسم سازد (Waever, 1993: 48). بازیگر امنیتی ساز به مدد جایگاه قدرت خود بر زبان مسلط شده و موفق به متجلی ساختن تهدید می شود. وقتی موضوعی امنیتی و تهدیدزا نشان داده شود، لزوماً ارتباطی به وجود تهدید واقعی ندارد، بلکه می تواند از معرفی آن به عنوان تهدید سرچشمه بگیرد. از این رو، ارتقای جنبه های امنیتی یک موضوع یا قالب بندی یک مسئله به لحاظ امنیتی یک راه برای تعیین اولویت موضوعات است. در نتیجه، باتوجه به تأثیر منطق امنیتی، بسیاری از بازیگران، از اصطلاحات امنیتی برای به تصویر کشیدن یک موضوع سیاست اعلی که در حالت عادی به عنوان موضوع مرتبط با سیاست سفلی شناخته می شود، استفاده می کنند (Fischhendler & Katz, 2013: 322). مکتب کپنهاگ امنیت را مقوله ای بیناذهنی تلقی می کند که در اجتماع شکل می گیرد. توفیق در امنیتی کردن موضوعات علاوه بر تلاش های موثر بازیگر امنیتی ساز، به مخاطبان کنش گفتاری امنیتی بستگی دارد که موضوع را به عنوان تهدیدی وجودی برای منافع و ارزش های مشترک می پذیرند. بر این اساس زمانی یک پدیده تبدیل به پدیده های امنیتی می شود که طی فرآیندی بازیگر امنیتی ساز پدیده ای را امنیتی کند و مخاطبان نیز آن را بپذیرند. بنابراین اعتقاد به «تجلی تهدید» و «پذیرش عمومی» دو رکن اصلی «منطق امنیتی کردن» را شکل می دهند (فیروزآبادی و قرشی، ۱۳۹۱: ۱۶).

امنیتی کردن و تهدید سازی از برنامه موشکی ایران از طرف ایالات متحده آمریکا یکی از ستون های اصلی رویکرد فشار حداکثری دولت ترامپ علیه ایران است که از زمان خروج ایالات متحده از برجام وارد فاز جدیدی شده است. در واقع ایالات متحده با مشاهده جدایی رویکرد جامعه بین المللی در موضوع هسته ای و ناکامی در همراهی بین المللی با تحریم های یک جانبه علیه ایران، با برجسته سازی و تهدید جلوه دادن برنامه موشکی ایران سعی در بازیابی اجماع بین المللی در همراهی با رویکرد فشار و تهدید این کشور علیه ایران دارد. این تهدید سازی با هدف بازنگاری آن به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی و ثبات منطقه ای به منظور همراهی جامعه و نهادهای بین المللی (شورای امنیت سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا یا دست

کم برخی از اعضای موثر آن) با تحریم‌ها و اقدامات یک‌جانبه ایالات متحده علیه ایران انجام می‌شود. به واقع بر اساس چارچوب نظری پژوهش، برنامه دفاع موشکی ایران را می‌توان به عنوان یک متغیر خنثی در نظر گرفت که ایالات متحده آمریکا با برجسته سازی، بزرگنمایی و نیت‌خوانی از برخی ابعاد آن درصدد معرفی و بازنمایی کلیت برنامه موشکی ایران به مثابه یک تهدید واقعی و فوری علیه صلح و امنیت بین‌الملل به منظور اقناع مخاطبان امنیتی سازی (به ویژه متحدان اروپایی آمریکا) است. از طرفی، ارتقای جنبه‌های امنیتی یک موضوع یا قالب‌بندی یک مسئله به لحاظ امنیتی راهی برای تعیین اولویت موضوعات است. در این راستا آمریکا برنامه موشکی ایران را در اولویت نخست رویکرد تهدیدسازی خود با هدف ایجاد اجماع برای اقدام فوری قرار داده است.

۲- برنامه دفاع موشکی ایران

برنامه دفاع موشکی ایران، مهم‌ترین راهبرد دفاعی- نظامی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدات به شمار می‌رود و در این راستا در چهار دهه گذشته پیشرفت‌های چشمگیری داشته است. تلاش‌های ایران برای ساخت و توسعه برنامه موشکی را می‌توان به دو دوره زمانی تقسیم کرد. دوره اول: دوران جنگ تحمیلی (سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۶۷) که ضرورت دستیابی برای ایجاد راهبرد دفاعی و بازدارندگی و حفظ کشور از تهاجمات بی‌امان موشک‌های وارداتی صدام، مهم‌ترین مشخصات این دوره محسوب می‌شود. دوره دوم: دوران بعد از جنگ تحمیلی (از سال ۱۳۶۸ به بعد) که با توسعه، پیشرفت و بومی‌سازی برنامه موشکی ایران همراه بود و می‌توان آن را دوران بلوغ راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران نام‌گذاری کرد (Rezaei, 2016: 185-186). پایان جنگ عراق علیه ایران و تمرکز بیشتر برای توسعه این توانمندی با بومی‌سازی تکنولوژی موشکی تحقق یافت و با توجه به انتخاب بازدارندگی به عنوان راهبرد دفاعی اصلی ایران در فرایند نوسازی صنایع نظامی، کسب و ارتقای تکنولوژی موشکی به ویژه موشک‌های بالستیک با اولویت بالایی در دستور کار راهبرد نظامی ایران قرار گرفت (طارمی، ۱۳۸۲: ۱۸۳؛ Izewicz, 2017: 1-2).

درواقع جنگ عراق علیه ایران و هجوم گسترده موشک‌های وارداتی عراق علیه شهرها، مناطق مسکونی و مواضع حساس ایران، نقش محوری موشک‌ها را در نبردهای آینده و نقش بازدارندگی متقابل آن را برای ایران آشکار کرد. حملات عراق به شهرهای ایران و عدم واکنش جامعه بین‌المللی به رژیم صدام سبب شد ایران به منظور بازدارندگی متقابل به سمت دستیابی به تکنولوژی موشکی حرکت کند (۱). جدای از ضرورت بازدارندگی متقابل در برابر عراق، شرایط منطقه‌ای ایران بعد از فروپاشی شوروی و حضور گسترده ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس و کشورهای همسایه ایران و تهدیدات رژیم صهیونیستی، اتخاذ رویکرد خوداتکایی دفاعی و موشکی را در مقابل تهدیدات خارجی برای جمهوری اسلامی ایران گزینه اجتناب‌ناپذیر کرده بود (Biswas, 2016: 23).

متعاقب تهاجم پی درپی موشکی عراق، ایران توانست اولین دسته از موشک‌ها با نام اسکاد بی را ابتدا از لیبی و سپس سوریه وارد کند. بعد از کارشکنی‌های لیبی در ارائه کمک و تجهیزات موشکی به ایران و تداوم حملات موشکی عراق به شهرهای ایران، در تیرماه سال ۱۳۶۶ ایران توانست تعدادی از این موشک‌ها را از کره شمالی خریداری کند (Katzman: 1998). همزمان ایران تحقیقات گسترده‌ای را برای بومی‌سازی برنامه موشکی خود آغاز کرد. متعاقب این تلاش‌ها، ایران با کمک کره شمالی کارخانه اسکاد مود-بی را راه اندازی کرد که نهایتاً در اواخر سال ۱۳۶۶ و در اوج جنگ شهرها این کارخانه بعد عملیاتی به خود گرفت. هر چند به دلایل مختلفی همچون تحریم‌های بین‌المللی، فشارهای ناشی از جنگ و مسائل اقتصادی متعاقب آن این برنامه موفقیت زیادی حاصل نکرد، با این حال پایه‌گذار توسعه برنامه موشکی ایران شد (Bermudez, 1992: 6-7).

اولین تولید موشک بومی ایران با نام «مشک» که «ایران ۱۳۰» هم نامیده می‌شد با برد ۱۳۰ کیلومتر در سال ۱۳۶۷ مورد آزمایش قرار گرفت. در ادامه ایران توانست موشک مشک را با برد ۱۶۰ کیلومتر با موفقیت آزمایش کرده و در همان سال علیه عراق استفاده کند. با پایان جنگ تحمیلی، ایران به تلاش‌های خود برای توسعه برنامه دفاعی موشکی خود ادامه داد تا اینکه در اوایل دهه ۷۰ نخستین موشک ساخت ایران به نام شهاب ۱، با برد بیش از ۳۰۰ کیلومتر رونمایی و آزمایش شد. در ادامه این روند، نسل دوم موشک شهاب (شهاب ۲) با برد ۵۰۰ کیلومتر به مرحله طراحی و تولید رسید. هدف‌گذاری جمهوری اسلامی ایران از توسعه برنامه موشکی در دهه ۷۰، دستیابی به موشک‌هایی با برد بالا بود. در سال ۱۳۷۷ ایران توانست به نسل اول موشک شهاب ۳ دست یابد، این اولین موشک دور برد ایران با برد بالای ۱۰۰۰ کیلومتر بود. هم‌زمان با تولید و آزمایش موشک شهاب ۳، حساسیت بر روی برنامه موشکی ایران آغاز شد.

برنامه موشکی ایران در دهه ۱۳۸۰ با دستیابی به موشک‌های بالستیک از جمله موشک‌های «سجیل»، قدر، شهاب-۳ با برد ۲۰۰۰ کیلومتر توسعه یافت. در دهه ۱۳۹۰ بالا بردن دقت این موشک‌ها در دستور کار قرار گرفت. علاوه بر این ایران موفق شد در دهه ۹۰ موشک‌های «شهاب-دی ۳» یا قدر-۱۱۰ با برد بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر (بین ۲۴۰۰ تا ۳۰۰۰ کیلومتر) را طراحی و تولید کند. به طور کلی امروزه توانمندی برنامه دفاع موشکی ایران به حدی است که به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران نظامی، در زمره کشورهای برتر در حوزه فناوری موشکی قرار دارد (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۰۷-۱۰۸).

موشک‌های بالستیک (۲) که مهم‌ترین و پرکاربردترین نوع موشک‌های جنگی هستند، مبنای رویکرد تهدیدسازی ایالات متحده آمریکا از برنامه موشکی ایران می‌باشد. این موشک اغلب بر مبنای برد به شش

دسته به شرح زیر تقسیم می شوند (۵):

- ۱) موشک بالستیک نزدیک برد^۱ (برد کمتر از ۳۰۰ کیلومتر)؛
 - ۲) موشک بالستیک برد کوتاه^۲ (برد ۳۰۰ کیلومتر تا کمتر از ۱۰۰۰ کیلومتر)؛
 - ۳) موشک بالستیک برد متوسط^۳ (برد ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کیلومتر)؛
 - ۴) موشک بالستیک میان برد^۴ (شامل ۲۵۰۰ تا ۳۵۰۰ کیلومتر)؛
 - ۵) موشک بالستیک زیر قاره پیما^۵ (برد بیش از ۳۵۰۰ و کمتر از ۵۵۰۰ کیلومتر)؛
 - ۶) موشک بالستیک قاره پیما^۶ (با برد بیشتر از ۵۵۰۰ کیلومتر که تا ۱۲۰۰۰ کیلومتر را شامل می شود)
- (MDAA, 2018 and FAS, 2000).

متناسب با تقسیم بندی که براساس برد موشک های بالستیک ارائه شده است، انواع موشک های ایرانی به لحاظ برد عبارتند از:

- ۷) موشک های با برد نزدیک (CRBM): موشک های فجر، زلزال (۱، ۲ و ۳)، آرش (۱، ۲، ۳ و ۴)، فلق (۱ و ۲)، موشک های خانواده صیاد، ظفر، صاعقه، شفق، زوبین، عقاب، مرصاد و چهارگانه ستار از موشک های با برد نزدیک ج. ا ایران محسوب می شوند.
- ۸) موشک های کوتاه برد (SRBM): معروف ترین موشک های کوتاه برد ایران، موشک های خانواده فاتح (فاتح ۱۱۰، فاتح ۳۱۳، ذوالفقار و راد ۵۰۰) و موشک های خانواده شهاب (شهاب ۱ و ۲ و قیام ۱) با برد ۳۰۰ تا ۸۰۰ کیلومتر هستند.

- ۹) موشک های با برد متوسط (MRBM): مهم ترین موشک های برد متوسط ایران شهاب ۳، سجیل، خرمشهر، عماد ۱، قدر و عاشورا هستند. همچنین موشک های کروز هوپزه با برد ۱۳۵۰ و خانواده سومار با برد بین ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کیلومتر جزء موشک های با برد متوسط ایران محسوب می شوند (Hildreth, 2020: 2).

1. Close Range Ballistic Missile (CRBM)
2. Short Range Ballistic Missile (SRBM)
3. Medium Range Ballistic Missile (MRBM)
4. Intermediate Range Ballistic Missile (IRBM)
5. Sub Continental Ballistic Missile (SCBM)
6. Intercontinental Ballistic Missile (ICBM)

شکل شماره ۱) دسته‌بندی موشک‌های ایران به لحاظ برد آنها



(تدوین توسط نویسندگان؛ داده‌ها برگرفته از پایگاه اینترنتی منابع نظامی ایران)

به‌طور کلی همان‌گونه که اشاره شد، برنامه موشکی ایران در پاسخ به موشک‌باران شهرها و مناطق مسکونی ایران توسط صدام در دوران جنگ تحمیلی و عدم واکنش جامعه بین‌المللی به این اقدامات شکل گرفت و در چارچوب راهبرد دفاعی - بازدارندگی متقابل ادامه یافت. بعد از جنگ نیز با توجه به تجربه دوران دفاع مقدس و ظهور متغیرهای جدیدی در عرصه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی همچون فروپاشی شوروی، حضور همه جانبه ایالات متحده آمریکا در منطقه و رویکرد تهاجمی اسرائیل و سایر متحدان آمریکا، برنامه دفاع موشکی ایران به عنوان محور استراتژی بازدارندگی متقابل در چارچوب یک برنامه نظامی متعارف تداوم یافت.

۳- مشروعیت برنامه دفاع موشکی ایران

اصل مسلم در سیاست بین‌الملل این است که هیچ کشور مستقلی موضوع امنیت و توان دفاعی خودش را به قوانین، موازین و منابع بین‌المللی موکول و مشروط نمی‌کند. بنابراین جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور مستقل نمی‌تواند توان دفاعی خودش را به منابع بیرونی و رژیم‌های بین‌المللی که عموماً حافظ منافع واضعان این رژیم‌ها و قدرتمندان در عرصه بین‌الملل است، وابسته کند. جمهوری اسلامی ایران با توجه به تجربه‌های گرانمایه هشت سال دفاع مقدس تلاش خود را بر استقرار نظام دفاعی - امنیتی مستقل، بومی و اتکالپذیر قرار داده است. در این راستا ارتقای دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در زمینه تکنولوژی موشکی، از اهداف راهبردی کشور برای بازدارندگی و حفظ امنیت آن است و ایران نیز به عنوان یکی از اعضای جامعه بین‌المللی، همانند دیگر کشورها، برای رشد و ارتقای سطح تکنولوژی و دانش موشکی به منظور حفظ موجودیت و امنیت خود در مقابل تهدیدات به توسعه برنامه موشکی خود تداوم خواهد داد (ارغوانی پیرسلامی و پیرانخو، ۱۳۹۶: ۵۴). در همین راستا سخنگوی نیروهای

مسلح جمهوری اسلامی ایران می‌کند: «موشک‌ها و توان دفاعی جمهوری اسلامی برای دفاع و در راستای بازدارندگی کشور ما است. این کار ادامه خواهد یافت. ما هم تست و هم توسعه موشکی را ادامه خواهیم داد» (شکارچی: ۱۳۹۷).

۳-۱. نبود ممنوعیت حقوقی بین‌المللی

اساساً رژیم حقوقی یا معاهداتی الزام‌آوری برای مشروعیت بخشی به اقدامات کشورها در حوزه موشکی که جمهوری اسلامی ایران را نیز متعهد به آن نموده باشد، وجود ندارد. اگرچه تلاش‌های گسترده‌ای از طرف قدرت‌های بین‌المللی دارای فناوری موشکی برای کنترل توان موشکی سایر کشورها انجام شده و آنها کوشیده‌اند با وضع قوانین و توافقنامه‌هایی به منظور تاسیس و استقرار رژیم بین‌المللی قدرتمند و الزام‌آور (همچون رژیم کنترل سلاح‌های کشتار جمعی شامل معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای (CTBT)، کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی (CWC)، کنوانسیون منع سلاح‌های بیولوژیک (BWC))، نوعی اصول و قواعد رفتاری لازم‌الاجرا در صحنه بین‌المللی ایجاد کنند تا توانمندی‌ها در عرصه موشکی را تحت کنترل خود قرار دهند، تخلف از آن را با تبعات گسترده‌ای روبه رو کنند و از این راه انحصار و برتری خود را تضمین کنند (امینیان و ضمیری جیرسرای، ۱۳۹۵: ۴۷). اما تاکنون معاهده بین‌المللی مورد مذاکره و توافق سازمان ملل متحد درباره فعالیت‌های موشکی وجود ندارد. لذا از نظر قوانین بین‌المللی هیچ محدودیت الزام‌آوری در مورد فعالیت‌های موشکی ایجاد نشده است.

جدی‌ترین سازوکار موجود در این زمینه «رژیم کنترل تکنولوژی موشکی» به عنوان یک مجمع سیاسی غیررسمی است که در سال ۱۹۸۷ توسط کشورهای گروه هفت شامل ایالات متحده، کانادا، آلمان، فرانسه، انگلستان، ژاپن و ایتالیا تشکیل شد. این رژیم به صورت غیررسمی و داوطلبانه نوعی از موافقتنامه‌های چندجانبه کنترل صادرات را نشان می‌دهد که طی نگرانی‌های امنیتی آمریکا و دیگر کشورهای دارای تکنولوژی پیشرفته موشکی برای مقابله با انتقال تکنولوژی موشکی به کشورهای جهان سوم تشکیل شده است و می‌توان گفت عامل اصلی در اعمال و تغییر آن تصمیمات کشور امریکاست. نکته جالب اینکه موسسان این رژیم، هفت قدرت بزرگ بین‌المللی و اعضای کنونی آن همگی از تولیدکنندگان و صادرکنندگان (۴) قطعات مهم موشکی هستند (Ozga, 1994: 68). نهایتاً اینکه رژیم کنترل فناوری موشکی، از لحاظ حقوقی، هیچ تعهد الزام‌آوری را نه تنها برای جمهوری اسلامی ایران، بلکه برای اعضا نیز ایجاد نمی‌کند. درواقع، این رژیم اگرچه به صورت غیررسمی سعی در ایجاد رویه‌ها و نرم‌های بین‌المللی در زمینه کنترل تکنولوژی موشکی دارد، ولی هیچ ارتباط و پیوستگی رسمی با سازمان ملل متحد ندارد (بشری: ۱۳۹۴).

۳-۲. قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد

قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد اصولاً ارتباطی به برنامه موشکی ایران ندارد و در اصل به منظور تأیید بین‌المللی و حقوقی برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و در راستای اجرای آن صادر شده

است. با این وجود در مواردی از ضمایم قطعنامه ۲۲۳۱ از جمهوری اسلامی ایران خواسته شده است از فعالیت‌های مرتبط با توسعه و طراحی موشک‌های بالستیک «با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای» خودداری کند. در این راستا پاراگراف ۳ ضمیمه «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ بیان می‌کند: «شورای امنیت سازمان ملل متحد از جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد تا هیچ گونه فعالیتی در رابطه با طراحی موشک‌های بالستیک با هدف حمل تسلیحات هسته‌ای، از جمله پرتاب‌هایی که از چنین تکنولوژی در موشک بالستیک استفاده می‌کنند، انجام ندهد». همچنین بر پایه پاراگراف ۴ همین ضمیمه، انتقال و فروش هر گونه مواد، تجهیزات، کالا و فناوری‌های آمده در «رژیم کنترل فناوری موشکی»^۱ که بتوان از آنها برای تولید تسلیحات هسته‌ای استفاده کرد، به جمهوری اسلامی ایران ممنوع است (قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، ۲۰۱۵، پیوست «ب»: پاراگراف ۳ و ۴). البته زمان محدودیت‌های شورای امنیت در حوزه موشکی محدود است و هشت سال بعد از پذیرش برجام یعنی در ۲۶ مهر ۱۴۰۲ (۱۸ اکتبر ۲۰۲۳) محدودیت‌های مذکور به پایان می‌رسد. پاراگراف ۳ پیوست ب در این زمینه بیان می‌کند: «این محدودیت تا اکتبر ۲۰۲۳ یا تا زمانی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش نتیجه‌گیری کلی خود را ارائه دهد، هر کدام که مقدم‌تر باشد، اعمال خواهد شد» (قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، ۲۰۱۵، پیوست «ب»: پاراگراف ۳). موارد بالا نشان می‌دهد که مفاد قطعنامه ۲۲۳۱ تنها به کلاهک هسته‌ای موشک‌ها اشاره دارد و لذا بازدارنده آزمایش موشکی نیست. این قطعنامه از ایران می‌خواهد تا از دنبال کردن برنامه موشکی بالستیکی که قادر به حمل کلاهک هسته‌ای است خودداری ورزد، اما به صراحت این برنامه را ممنوع نکرده است. بنابراین از آنجایی که ایران در صدد ساخت و طراحی موشک‌هایی با هدف حمل کلاهک هسته‌ای نیست، به توصیه شورای امنیت عمل کرده و بنابراین می‌توان گفت که برنامه موشکی ایران نه در تضاد با قطعنامه ۲۲۳۱ است و نه منع بین‌المللی دارد؛ چرا که این قطعنامه بازدارندگی متعارف را منع نمی‌کند و از آنجایی که ایران کلاهک هسته‌ای ندارد، لذا این ایده که موشک‌های بالستیک ایران «قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای» دارند، سالبه به انتفاع موضوع است.

۴- تهدیدسازی از برنامه دفاع موشکی ایران

مبتنی بر فرضیه پژوهش، ایالات متحده آمریکا در راستای رویکرد کلان فشار حداکثری به دنبال امنیتی کردن و تهدیدسازی از برنامه دفاع موشکی می‌باشد. در این چارچوب برنامه دفاع موشکی ایران همواره با انتقادات شدید ایالات متحده آمریکا مبنی بر نقض قواعد و موازین بین‌المللی در حوزه صلح و امنیت بین‌المللی مواجه شده است. این درحالی است که مطابق مباحث بالا، هیچ منع قانونی و بین‌المللی در ارتباط با برنامه موشکی ایران وجود ندارد. حال پرسش اساسی این است باوجود نبود ممنوعیت قانونی و بین‌المللی برای برنامه دفاع موشکی ایران، ایالات متحده آمریکا با چه توجیه یا دستورکاری درصدد بازتأمین آن به مثابه تهدیدی عیله

1. Missile Technology Control Regime (MTCR)

صلح و امنیت بین‌المللی است که مبتنی بر چارچوب نظری پژوهش (تهدیدسازی) قابلیت پذیرش و همراهی عام در جامعه بین‌المللی را داشته باشد؟ نویسندگان پژوهش حاضر معتقدند که ایالات متحده آمریکا با تمرکز بر بخش قابلیت برد و حمل کلاهک، درصدد امنیتی کردن و تهدیدسازی از برنامه موشکی ایران است. این استراتژی بر دو مولفه نیت خوانی از برد موشک‌ها به منظور طراحی موشک‌های قاره‌پیما و قابلیت حمل و نصب کلاهک به منظور نصب کلاهک هسته‌ای مبتنی است. به بیان دیگر ایالات متحده با هدف قراردادن برد و قابلیت کلاهک موشک‌های ایران، سعی در امنیتی کردن و بازنمایی برنامه موشکی ایران به مثابه یک تهدید علیه صلح و امنیت در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است.

۴-۱. قابلیت برد موشک‌های ایران

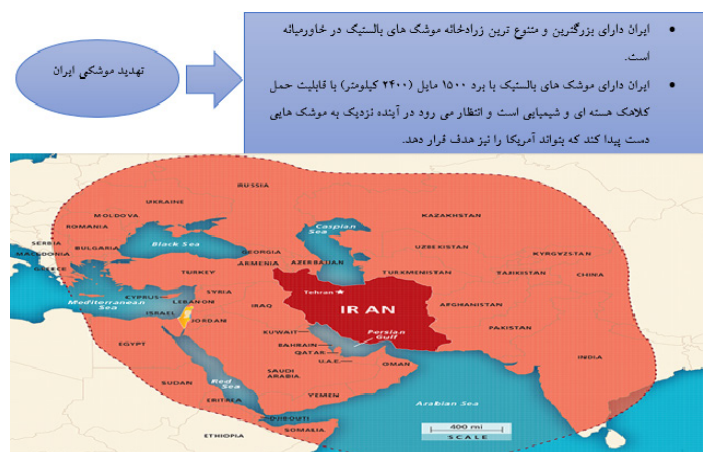
ایالات متحده آمریکا به ویژه پس از خروج از برجام در دوره ترامپ، با برجسته‌سازی تلاش‌های ایران در موضوع افزایش قابلیت برد موشک‌ها، درصدد بازنمایی برنامه موشکی ایران به مثابه تهدیدی مستقیم علیه صلح و امنیت بین‌المللی است. در این راستا آمریکا، آزمایش‌های موشکی ایران را ناقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل دانسته و با فشار به سایر کشورها (به ویژه قدرت‌های اروپایی) سعی در همسویی آنها با رویکرد خود در قبال ایران دارد. این در حالی است که ایران بارها اعلام کرده است که برنامه موشکی این کشور کاملاً در چارچوب راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران بوده و «قلب آن ایجاد بازدارندگی در برابر دشمنان بزرگی است که مدام تهدید می‌کنند» (سلامی: ۱۳۹۷). از طرفی، جمهوری اسلامی ایران معتقد است که هیچ قانون بین‌المللی در ممنوعیت برنامه موشکی ایران وجود ندارد و لذا مجاز است قابلیت‌های برنامه موشکی خود را به صورت تاکتیکی و بر اساس ملاحظات استراتژیک توسعه دهد؛ چرا که راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی می‌تواند به اقتضای شرایط و بر اساس تغییر رفتار بازیگران تغییر کند. چنانکه فرمانده کل سپاه بیان می‌کند: «این راهبرد ثابت نیست و کسانی که امروز صحبت‌های ما را می‌شنوند به این واقعیت برسند که برای افزایش برد و دقت موشک‌ها در بردهای بلند و قدرت تخریب و نیروی پیشران قوی هیچ‌گونه محدودیت فنی نداریم... توان موشکی جمهوری اسلامی ایران از نظر سازماندهی، گسترش، کمیت و کیفیت کاملاً فضایی باز و لایتناهی دارد و هیچ حدی برای توسعه آن قائل نیستیم» (سلامی: ۱۳۹۷).

به طور کلی استراتژی آمریکا در تهدیدسازی از برد موشک‌های ایران بر دو حوزه موشک‌های میان‌برد و موشک‌های بلندبرد متمرکز است. در حوزه موشک‌های میان‌برد ایالات متحده آمریکا معتقد است که ایران با داشتن انواع موشک‌های میان‌برد، به یک تهدید بالفعل علیه صلح و امنیت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شده است. اما در حوزه موشک‌های بلندبرد آمریکا سعی دارد تا با نیت‌خوانی از برنامه فضایی ایران و آزمایش موشک‌های ماهواره‌بر، آن را به مثابه پوششی برای دستیابی به موشک‌های بلندبرد معرفی کند که می‌تواند تهدیدی بالقوه علیه صلح و امنیت بین‌المللی باشد.

۴-۱-۱. موشک‌های میان‌برد

۴-۱-۱-۱. بازمانی موشک‌های میان‌برد ایران به مثابه تهدید منطقه‌ای

موشک‌های میان‌برد مهم‌ترین بخش از برنامه موشکی ایران است که آمریکا در راستای پیشبرد رویکرد تهدیدسازی خود بر آن متمرکز است. در این چارچوب ایالات متحده آمریکا معتقد است که فعالیت‌های موشکی جمهوری اسلامی ایران در حوزه موشک‌های میان‌برد (با بردی کمتر یا معادل ۲۰۰۰ کیلومتر) تهدیدی جدی علیه کشورهای منطقه (متحدان آمریکا)، پایگاه‌های نظامی این کشور در منطقه و همچنین تنگه‌ها و آبراه‌های بین‌المللی مهمی همچون خلیج فارس و باب‌المندب معرفی می‌کند (Karako & Williams, 2017: 10). در این راستا ایالات متحده آمریکا با معرفی موشک‌های میان‌برد ایران به مثابه تهدید جدی و فوری علیه امنیت منطقه، سعی در همراهی کشورهای منطقه با رویکرد خود دارد. به نظر می‌رسد که ایالات متحده آمریکا با وجود متحدان منطقه‌ای همچون اسرائیل، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت و بحرین کار چندان دشواری در سطح منطقه‌ای نداشته باشد. اسرائیل هم راستا با این رویکرد آمریکا، توان موشکی ایران را تهدیدی مستقیم علیه اسرائیل و بخش‌هایی از اروپا معرفی می‌کند. آپیک^۱ در پایگاه اطلاع‌رسانی خود، نقشه‌ها و نمودارهایی با عنوان تهدید موشکی ایران ارائه کرده است که حوزه تهدیدات موشکی ایران علاوه بر خاورمیانه و اسرائیل، اروپای شرقی و جنوب اروپا را دربرمی‌گیرد (نگاه کنید به نقشه شماره ۲). علاوه بر این سران اسرائیل همسو با رویکرد آمریکا قصد اصلی ایران از برنامه فضایی خود و آزمایش موشک‌های ماهواره‌بر را دستیابی به تکنولوژی و آزمایش موشک‌های قاره‌پیما معرفی می‌کنند که می‌تواند علاوه بر اسرائیل، مستقیماً خاک اروپا را نیز هدف قرار دهد (South et al, 2019).
نقشه شماره (۳): تهدیدات موشکی ایران از منظر آپیک



برگردان از سایت آپیک: (Source: AIPAC, 2018)

1. American Israel Public Affairs Committee AIPAC- (America's Pro-Israel Lobby)

عربستان سعودی نیز به عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده انرژی، به ویژه بعد از جنگ یمن و حملات موشکی حوثی‌ها به مناطقی در داخل خاک عربستان سعی دارد همسو با آمریکا، حملات حوثی‌ها و جنبش انصارالله را وابسته به ایران معرفی کند و قابلیت موشکی ایران را تهدیدی جدی فراروی جریان انتقال انرژی از خاورمیانه به اروپا نشان دهد (trainer: 2019).

ایالات متحده با توجه به این مساله که نه تحریم‌های ایالات متحده و نه تهدیدهای این کشور به اقدام نظامی، ایران را وادار نکرده است که در برنامه موشکی خود تجدیدنظر کرده یا محدودیت‌هایی را اعمال کند، به دنبال استفاده از ظرفیت حقوقی نهادهای منطقه‌ای (همچون سازمان همکاری‌های اسلامی، اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس) و به ویژه سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان ملل متحد، شورای امنیت و شورای حکام آژانس است. همچنان که ایالات متحده با تفسیر موسع و نیت خوانی از اهداف ایران، به دنبال اثبات نقض قطعنامه ۲۲۳۱ از طرف ایران می‌باشد. به عنوان مثال ایالات متحده تلاش کرد تا سلاح‌های مورد استفاده در حملات موشکی به عربستان و شرکت نفتی آرامکو را به ایران نسبت دهد. موضوعی که نهایتاً بر گزارش دوره‌ای دبیرکل سازمان ملل در مورد پایبندی به قطعنامه ۲۲۳۱ اثر گذاشت و جمهوری اسلامی ایران را به عنوان منشا این سلاح‌ها معرفی کرد (South et al, 2019).

۴-۱-۱-۲- بازنمایی موشک‌های میانبرد ایران به مثابه تهدید فرمانطقه‌ای

وجه دیگر تهدیدسازی از موشک‌های میان‌برد ایران، بازنمایی آن به مثابه تهدیدی مستقیم علیه خاک اروپا و پایگاه‌های ایالات متحده در این کشورهاست. این امر با توجه به نزدیکی جغرافیایی شرق و جنوب اروپا به ایران، ظرفیت تهدیدسازی از برنامه موشکی ایران برای اروپا را فراروی آمریکا نهاده است. ایالات متحده همچنین استدلال می‌کند که برخی از پایگاه‌های نظامی این کشور در اروپا در تیررس موشک‌های ایران هستند. از منظر ایالات متحده پایگاه‌های این کشور در ترکیه، ایتالیا و یونان در معرض موشک‌های با برد ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کیلومتری ایران هستند. شایان ذکر است که بخش بزرگی از هسته مرکزی ارتش اروپایی ایالات متحده آمریکا (یوکام) در ایتالیا مستقر می‌باشد (Karak & Williams, 2017: 10).

در همین راستا نقشه‌ها، نمودارها و جداولی که رسانه‌های همسو با آمریکا منتشر می‌کنند، بخش‌های قابل توجهی از شرق، جنوب و حتی مرکز اروپا را در تیررس موشک‌های بالستیک ایران ذکر می‌کنند. به عنوان مثال در نقشه شماره ۲ که بر روی سایت وزارت خارجه آمریکا قرار گرفته و توسط نشریه میلیتاری تایمز وابسته به پنتاگون نیز منتشر شده، بخش‌های زیادی از خاک اروپا تا لهستان و ایتالیا در معرض تهدید موشک‌های بالستیک ایران نشان داده شده است (نگاه کنید به نقشه شماره ۲).

نقشه شماره ۲) تهدیدسازی از برد برنامه موشکی ایران برای اروپا



برگردان متن نقشه از منبع: (Military Times, South et al, 2019)

اتحادیه اروپا و به ویژه تروئیکای اروپایی (بریتانیا، آلمان و فرانسه)، در این رویکرد با آمریکا همراه و همدل هستند؛ هرچند که در نحوه و کیفیت واکنش به آن اختلاف نظر دارند. به عنوان مثال کشورهای عضو اتحادیه اروپا با محوریت تروئیکا، با انتشار بیانیه‌ای رسمی ضمن ابراز نگرانی شدید نسبت به برنامه موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی ایران، خواستار توقف آن شدند (۴ فوریه ۲۰۱۹). این بیانیه تاکید کرده است که «ایران همچنان در تلاش است تا با انجام آزمایش‌ها و پیش برد فعالیت‌هایش دامنه برد و دقت موشک‌ها را افزایش دهد» (بند ۹) و در این زمینه از ایران خواسته است که «اقدامات لازم برای احترام به اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در زمینه فعالیت‌های موشکی» انجام دهد. مسئله مهم در بند ۹ این است که برای نخستین بار مسئله افزایش برد و دقت موشک‌های ایران و نگرانی عمیق اروپا از این موضوع بیان شده است؛ امری که تا پیش از این (در بیانیه‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷) در این سطح از حساسیت نبوده است. همچنین در این بند بدون اشاره به اسم بازیگران خاص غیردولتی، از ایران خواسته شده تا تدابیر لازم برای رعایت کامل تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت در زمینه ارسال موشک‌ها، مواد و فناوری‌های مرتبط با آن به بازیگران دولتی و غیردولتی در منطقه را به کار ببندد (Council of the European Union report, 2019).

اتحادیه اروپا با پیوند زدن برنامه موشکی ایران به مسائل و بحران‌های منطقه‌ای، سعی می‌کند برنامه موشکی ایران را به عنوان عامل برهم زننده ثبات و تهدیدی علیه صلح منطقه بازنمایی کند. در این زمینه فرانسه در همراهی با رویکرد آمریکا اعلام کرده است در صورتی که پیشرفتی در مذاکرات بر سر برنامه موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی ایران حاصل نشود، آماده است تحریم‌های جدیدی را علیه ایران اعمال کند (Reuters: 2019). پیش از این نیز ژان ایو لودریان^۱، وزیر خارجه این کشور برنامه موشکی ایران را منشا

1. Jean-Yves Le Drian

بی‌ثباتی منطقه دانسته و خواستار گفتگویی سازش‌ناپذیر درباره برنامه موشک‌های بالستیک ایران شده بود (Thenational: 2018). هایکو ماس^۱، وزیر امور خارجه آلمان نیز در همراهی با فرانسه در جریان دیدار وزیران امور خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا بیان کرد: «ما باید با ایران درباره اقداماتش در سوریه، برنامه موشک‌های بالستیک این کشور و نیز فعالیت سرویس‌های اطلاعاتی در اروپا صحبت کنیم» (Anadolu Agency: 2019). فرانسه و بریتانیا در نشست اخیر شورای امنیت نیز، آزمایش موشکی ایران (ماهواره بر ظفر) را ناقض قطعنامه ۲۲۳۱ سازمان ملل متحد دانستند؛ هرچند ایالات متحده موضع سخت‌تری گرفته و آن را یک نقض کامل می‌داند و خواهان تجدید تحریم تسلیحاتی و ایجاد محدودیت‌های بیشتر برنامه موشکی ایران شد. متاثر از آمریکا، سرویس پژوهشی پارلمان اروپا^۲ در گزارش ۲۰۲۰ خود اقدامات ایران برای ارسال ماهواره به فضا را پوششی برای توسعه موشک‌های بالستیک دور برد تلقی کرده و درصدد اعمال تحریم‌هایی علیه برنامه موشک‌های بالستیک ایران برآمد (European Parliamentary Research Service, 2020: 7-8)؛ هرچند که در نهایت اعضای اتحادیه بر سر این مساله به اجماع نرسیدند. جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به این تحرکات اروپا در همراهی با آمریکا، اعلام کرده است که: «اگر اروپایی‌ها یا دیگران بخواهند بر اساس یک توطئه، خلع سلاح موشکی جمهوری اسلامی ایران را دنبال کنند، مجبور می‌شویم به یک جهش استراتژیک روی آوریم» (سلامی: ۱۳۹۷).

به طور کلی ایالات متحده امیدوار است تا بتواند از این مساله برای تحت فشار قرار دادن اروپا برای اتخاذ رویکردی همسو در برابر ایران، استفاده کند. در این راستا برایان هوک رئیس کارگروه اقدام ایران، برنامه موشکی ایران را «تهدیدی جدی و فزاینده» معرفی می‌کند که «نه فقط اعضای اتحادیه اروپا، بلکه تمام کشورهای جهان باید با تمام توان برنامه موشکی ایران را هدف قرار دهند». به اعتقاد او پیوستن دیگر کشورها، به ویژه اتحادیه اروپا در اعمال فشار علیه برنامه موشکی ایران در موفقیت استراتژی فشار حداکثری ترامپ موثر خواهد بود (U.S. Virtual Embassy Iran, 2018).

۴-۱-۲. تلاش برای دستیابی به موشک‌های برد بلند (ICBM)

وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا در سند چشم انداز تهدیدات موشکی ۲۰۱۹، ایران را در کنار کره شمالی، روسیه و چین به عنوان یک تهدید بالقوه علیه خاک آمریکا و تهدید بالفعل علیه پایگاه‌های نظامی و غیرنظامی آمریکا در منطقه خاومیه، آسیای جنوبی و جنوب و شرق اروپا برآورد کرده است (Office of the Secretary of Defense, 2019: III). در این ارتباط، ایالات متحده آمریکا، تلاش‌های ایران برای ارسال ماهواره به فضا را که هر کشوری برای پیشبرد برنامه‌های فضایی و دانش مرتبط به آن نیاز دارد، با استفاده از ماهواره‌برهایی (SLVs) همچون سفیر، سیمرغ و قاصد را به مثابه

1. Heiko Maas

2. European Parliamentary Research Service (MEPS)

پوششی برای طراحی و توسعه موشک‌های دوربرد و قاره‌پیما معرفی می‌کند (Hildreth, 2020: 40-41)؛ چنانکه مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا، قصد اصلی ایران از ارسال ماهواره به فضا را «آزمایش موشک بالستیک بین‌قاره‌ای» به منظور تهدید مستقیم خاک آمریکا در آینده و «تهدیدی برای اروپا و خاورمیانه» در وضعیت کنونی دانسته است. پیش از او نیز، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا، در مراسم اعلام راهبرد جدید دفاع موشکی آمریکا در پنتاگون با اشاره به مأموریت ناموفق ماهواره بر سیمرغ، گفت ایران در صورت موفقیت در این کار می‌توانست به توانایی لازم برای ساختن موشک‌های قاره‌پیما که حتی به آمریکا نیز برسد، دست یابد. همچنین راب لودویک، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا در واکنش به پرتاب موفقیت‌آمیز ماهواره نور مدعی شد: «اگرچه ایران در حال حاضر موشک‌های بالستیک قاره‌پیما در اختیار ندارد، اما تمایل آنها به مقابله نظامی راهبردی با ایالات متحده می‌تواند آنها را به سمت توسعه موشک‌های بالستیک قاره‌پیما سوق دهد». وزارت دفاع آمریکا در گزارش «بازبینی دفاع موشکی ۲۰۱۹»، موشک‌های ماهواره‌بر ایران، به‌ویژه سیمرغ را به لحاظ برد در ردیف موشک‌های نزدیک به موشک بالستیک قاره‌پیما (ICBM) و به عنوان تهدیدی علیه اروپا و حتی خاک آمریکا معرفی می‌کند (Missile Defense Review, 2019: 11).

استدلال مقامات آمریکا بر این فرضیه فنی مبتنی است که فعالیت موشک حامل پرتاب فضایی معادل همان فناوری موشک اتمی در خانواده موشک‌های بالستیک قاره‌پیما است و یک موشک قاره‌پیما با برد بالاتر از نه هزار کیلومتر، توانایی رسیدن به خاک ایالات متحده را دارد؛ چنانکه موشک حامل ماهواره نور با استفاده از فناوری‌هایی تولید شده است که در ساخت موشک‌های بالستیک، از جمله موشک‌های بین قاره‌ای، نیز استفاده می‌شوند (Elleman, 2019: 3). این درحالی است که تمامی موشک‌های حامل ماهواره در همه کشورها با استفاده از فناوری‌های مشابه ایجاد می‌شوند؛ چراکه موشک‌های ماهواره‌بر که به SLVs^۱ شناخته می‌شوند شامل فناوری مشابه موشک‌های بالستیک از جمله موشک‌های بالستیک بین‌قاره‌ای معروف به ICBM است. با این وجود و به اعتقاد کارشناسان ماهواره‌برهای ایران همچون سیمرغ، سفیر و قاصد، ICBM نیستند و حتی اگر به عنوان یک موشک بالستیک استفاده شوند، نمی‌توانند مستقیماً خاک ایالات متحده آمریکا را هدف بگیرند. علاوه بر این، سوابق توسعه تکنولوژی برای ساخت موشک‌های قاره‌پیما نیز نشان می‌دهد که در مواردی می‌توان موشک‌های قاره‌پیما را با تغییراتی به راکت‌های ماهواره‌بر تبدیل کرد، ولی عکس این کار اتفاق نیافتاده است.

در مجموع، هدف غایی ایالات متحده آمریکا در موضوع تهدیدسازی از برد برنامه موشکی ایران، کاهش برد این موشک‌ها به زیر ۳۰۰ کیلومتر است. این برد بر پایه «رژیم کنترل فناوری موشکی» تعیین شده

1. Intercontinental Ballistic Missile (ICBM)
 2. Satellite Launch Vehicle (SLVs)

است. طبق این رژیم غیرالزام‌آور، هر موشکی که برد آن بیش از ۳۰۰ کیلومتر باشد و بتواند بیش از ۵۰۰ کیلوگرم ماده منفجره حمل کند، سلاح کشتار جمعی محسوب می‌شود. به نحوی مشابه برخی از کشورهای اروپایی همچون فرانسه نیز برد موشک‌های ایران را فراتر از نیازهای امنیتی آن برای دفاع از مرزهایش برآورد می‌کنند. این در حالی است که برنامه موشکی ایران نه تنها تهدید نیست، بلکه جزئی از دینامیک‌های امنیت منطقه خاورمیانه می‌باشد و نمی‌توان به طور انتزاعی به آن نگاه کرد؛ چراکه برنامه دفاع موشکی ایران در غیاب یک نیروی هوایی کارآمد، مهم‌ترین عامل بازدارنده در مقابل اسرائیل و پایگاه‌های نظامی ایالات متحده آمریکا در کشورهای منطقه است که به تسلیحات پیشرفته غربی مجهزند.

۲-۴. تهدیدسازی از قابلیت حمل کلاهک توسط موشک‌ها
 وجه دیگر رویکرد تهدیدسازی ایالات متحده آمریکا از برنامه موشکی ایران، قابلیت حمل کلاهک و سر جنگی موشک‌های بالستیک ایران است. این بخش از رویکرد تهدیدسازی ایالات متحده آمریکا بیشتر بر موشک‌های ماهواره‌بر (SLVs) ایران که قابلیت حمل محموله به فضا را دارند، متمرکز است. آمریکا با دامن زدن به این فرضیه که اگر ایران بتواند با موشک‌های ماهواره‌برهای خود محموله (از جمله ماهواره) به فضا ارسال کند، بدان معنی است که قادر به نصب کلاهک هسته‌ای بر روی این ماهواره‌برها خواهد بود (Bahgat, 2019: 46-47)، درصدد است که نیت اصلی ایران از برنامه فضایی را ادامه برنامه موشکی به منظور دستیابی به کیفیت نصب کلاهک هسته‌ای معرفی کند و با گره زدن آن به موضوع هسته‌ای، آن را به مثابه تهدیدی جدی فراروی صلح و امنیت بین‌المللی بازنمایی کند. در همین چارچوب این کشور اقدامات ایران در زمینه آزمایش و پرتاب ماهواره‌برهای سیمرغ، سفیر، قاصد و ... را نشان‌دهنده «نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد توسط ایران» بیان کرده و معتقد است از زمان تصویب این قطعنامه، ایران بارها دست به آزمایش موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای زده است (U.S. Department of State, September 3, 2019).

این رویکرد ایالات متحده آمریکا با توسل به استراتژی نیت‌خوانی از اقدامات دیگران (آنگونه که در مکتب کپنهاگ به عنوان رویکرد نظری پژوهش نیز گفته شد) به منظور بازنمایی آن به مثابه مطلوب است. در این چارچوب استدلال آمریکا مبتنی بر این پیش فرض است که فعالیت موشک حامل پرتاب فضایی معادل همان فناوری موشک اتمی در خانواده موشک‌های بالستیک قاره‌پیما است و از آنجایی که به لحاظ فنی این موشک‌های ایران قادرند ماهواره‌هایی تا وزن ۲۵۰ کیلوگرم را تا مدار ۵۰۰ کیلومتری زمین حمل کنند، می‌توانند به صورت مشابهی حامل کلاهک‌های هسته‌ای با وزن مشابهی باشند (Lewin: 2019). در راستای بسترسازی برای چنین رهیافتی ایالات متحده آمریکا مدعی شد که برنامه موشکی ایران، فناوری‌های مورد استفاده در سیستم‌های تسلیحات هسته‌ای را پیشرفت می‌دهد و از همین زاویه سعی می‌کند برنامه

موشکی ایران را با موضوع هسته‌ای و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت به منظور تحدیدسازی این تهدیدات ساختاری مرتبط سازد؛ موضوعی که با ظرافت در بیانیه‌های وزارت خارجه آمریکا گنجانده شده است. به عنوان مثال بیانیه وزارت خارجه آمریکا با هدف پیوندزدن برنامه موشکی ایران با قطعنامه ۲۲۳۱ اشاره می‌کند: «موشک‌های ایران شامل فناوری‌هایی هستند که با فناوری موشک‌های بالستیک تقریباً یکسان است. ایران از قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد که از ایران می‌خواهد فعالیت‌های مربوط به موشک‌های بالستیک قادر به حمل سلاح‌های هسته‌ای را انجام ندهد، تخطی می‌کند» (U.S. Department of State, December 1, 2018).

بنابراین ایالات متحده آمریکا از طرفی با توجه به اینکه این موشک‌ها «قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای» دارند و از طرف دیگر ضمن القای تلوچی این موضوع که ایران در خفا برنامه‌ای برای دسترسی به کلاهک هسته‌ای دارد یا دستکم تحقیقات خود را ادامه می‌دهد تا بعد از انقضای بند غروب^۱ در برجام، بتواند موشک‌هایش را به کلاهک هسته‌ای مجهز کند، سعی در بازنگاری برنامه موشکی ایران به مثابه پوششی برای فعالیت‌های هسته‌ای دارد که در اثر برجام با محدودیت‌هایی مواجه شده است. در همین چارچوب آنتونی کوردشمن^۲ مدیر موسسه مطالعات بین‌الملل و استراتژیک بیان می‌کند: «ایران برنامه موشکی خود را به حدی توسعه داده است که این کشور را قادر می‌سازد هر نقطه از منطقه خاورمیانه و حتی بخش‌های بزرگی از اروپا (شرق، مرکز و جنوب) را با موشک‌هایی با قابلیت حمل کلاهک‌های هسته‌ای هدف قرار دهد؛ به ویژه که ایران توسعه موشک‌های بالستیک قاره‌پیما را نیز در دستور کار دارد» (Cordesman, 2019: 4). به طور کلی و در یک بیان فنی، این موضوع که فناوری مورد استفاده در ماهواره‌ها را می‌توان در تولید موشک‌های قاره‌پیما مجهز به کلاهک هسته‌ای به کار گرفت، قابل کتمان نیست. اما به رغم این تشابهات، تفاوت‌های اساسی در این دو وجود دارد؛ از جمله اینکه بار مفید موشک‌های بالستیک یعنی کلاهک هسته‌ای و سایر اجزایش باید در مقابل فشار فوق‌العاده و دشواری‌های ورود به جو مقاوم باشد که خود نیازمند سیستم‌های پیشرفته حرارتی و حفاظت‌های مکانیکی است. در مقابل موشک ماهواره‌بر، بار مفیدش را که همان ماهواره باشد در فضا رها می‌کند و با چالش‌های ورود به جو زمین روبه‌رو نیست (Elleman, 2019: 7-8). بنابراین موشک بالستیک دارای کلاهک هسته‌ای و موشک ماهواره‌بر مسیرهای کاملاً متفاوتی را پس از پرتاب برای اجرای مأموریت‌شان طی می‌کنند. نکته دیگر اینکه، برخلاف ادعای مقامات آمریکایی، به اعتقاد بسیاری از کارشناسان امور تسلیحات هسته‌ای طراحی و ویژگی‌های موشک‌های آزمایش‌شده از جمله نیروی بالابرنده، اندازه بخش‌های بار مفید مانند بخش ویژه برای ورود به اتمسفر زمین و دماغه مخروطی شکل نوک موشک‌ها نشان می‌دهد که اغلب گونه‌های موشک

1. Sunset Provisions

2. Anthony H. Cordesman

شهاب، قیام، سجیل و گونه‌های مختلف موشک قدر با دماغه‌های سه مخروطی قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای ندارند (Elleman, 2019: 9-10).

از طرفی فعالیت‌های هسته‌ای ایران به طور مداوم در چارچوب برجام تحت کنترل است. آژانس متعاقب بازرسی‌های دوره‌ای و مکرر از مراکز هسته‌ای، پایبندی ایران به مفاد برجام را تایید کرده است. حتی ارزیابی ۱۶ نهاد اطلاعاتی آمریکا در ژانویه ۲۰۲۰ (۹ بهمن ۱۳۹۸) نیز اذعان دارد که «ایران فعالیت‌های کلیدی مرتبط با توسعه سلاح هسته‌ای را دنبال نمی‌کند». مضاف بر این، جمهوری اسلامی ایران پادمان (مقررات نظارتی آژانس)، پروتکل الحاقی و ترتیبات فرعی کد ۱-۳ را پذیرفته است که بالاترین معیار برای پایش برنامه‌های هسته‌ای یک کشور محسوب می‌شود. بنابراین مطرح کردن این موضوع که ایران می‌خواهد در آینده موشک‌هایی با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای بسازد، نیت‌خوانی به منظور تهدیدسازی از برنامه دفاع موشکی ایران در چارچوب راهبرد فشار حداکثری و با هدف اجماع‌سازی و همراهی بین‌المللی برای اعمال تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

امنیتی‌سازی یا بر ساخت تهدید حاکی از این است که پدیده‌های امنیتی لزوماً ناظر به یک خطر واقعی نیستند؛ بلکه ایجاد باور مشترک مبنی بر تهدیدآمیز بودن پدیده‌ای، مقابله با آن و تأمین امنیت را توجیه‌پذیر می‌کند. بنابراین وقتی موضوعی امنیتی و تهدیدزا نشان داده شود، لزوماً ارتباطی به وجود تهدید واقعی ندارد، بلکه می‌تواند از معرفی آن به عنوان تهدید سرچشمه بگیرد. ایالات متحده آمریکا به عنوان بازیگر اصلی امنیتی‌سازی با بازنگاری برنامه دفاع موشکی جمهوری اسلامی ایران به مثابه تهدید جدی علیه صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی، درصد همراه کردن جامعه بین‌المللی (به ویژه کشورهای اروپایی) با اهداف خود است. استراتژی آمریکا برای اجرایی‌سازی این رویکرد، بر دو ستون قابلیت برد و حمل کلاهک موشک‌های ایران استوار است. بدین صورت که ایالات متحده آمریکا با برجسته‌سازی برد موشک‌های ایران درصد معرفی اقدامات ایران در راستای توسعه برد این موشک‌ها تا دستیابی به موشک قاره‌پیماست و از طرف دیگر با تاکید بر قابلیت حمل کلاهک این موشک‌ها، درصد بازنگاری آنها به مثابه موشک‌ها بالستیک با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای است. در این راستا ایالات متحده با تهدیدآمیز نشان دادن اهداف برنامه موشکی ایران، پیوند آن با قطعنامه ۲۲۳۱ و نهایتاً نیت‌خوانی در خصوص برد و حمل کلاهک هسته‌ای به دنبال بازسازی اجماع از دست رفته تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

از طرفی مبتنی بر مفاهیم نظریه امنیتی‌سازی مکتب کپنهاگ، استدلال بازیگر امنیتی‌ساز، علاوه بر نشان دادن تجلی تهدید، باید ارائه‌دهنده راه‌چاره و خلاصی از تهدید نیز باشد. در این راستا ایالات متحده آمریکا به عنوان بازیگر امنیتی‌ساز، به دنبال القای این مسئله به مخاطبان تهدیدسازی (اتحادیه اروپا و متحدان

منطقه‌ای آمریکا) است که راه‌حل و چاره تهدیدات ایران، اتخاذ راهبردهای سخت همچون تهدید و تحریم تا تحمیل یک توافقنامه موشکی با هدف کنترل برنامه موشکی ایران ذیل «رژیم کنترل فناوری موشکی» است؛ موضوعی که به دلیل وابستگی‌های فراآتلانتیکی و تهدیدسازی‌های گسترده آمریکا از قابلیت برد و حمل کلاهک موشک‌های ایران مورد اتفاق و تأیید اروپا نیز هست؛ هرچند که در نحوه و کیفیت مواجهه با آن با ایالات متحده آمریکا اختلاف نظر دارند. اروپا در چارچوب استراتژی متوازن ضمن حمایت از تداوم برجام، امیدوار است با مذاکره و دیپلماسی، رفتار ایران در حوزه برنامه موشکی را به تدریج تغییر داده یا دست کم تعدیل کند؛ رویکردی که در مقابل رویکرد تحریم و فشار حداکثری ایالات متحده است. این در حالی است که برنامه دفاع موشکی ایران به عنوان مهمترین بخش راهبرد دفاعی ایران و عامل اصلی بازدارندگی در مقابل عوامل و تهدیدات خارجی است که نه تنها تهدیدی علیه صلح و امنیت بیت‌المللی نیست، بلکه با توجه به حضور نظامی گسترده ایالات متحده آمریکا و پایگاه‌های نظامی این کشور در منطقه و رویکرد تهاجمی دشمنان منطقه‌ای ایران از جمله اسرائیل و برخی از کشورهای عربی که به تسلیحات پیشرفته غربی مجهزند، جزئی از پویایی امنیت منطقه خاورمیانه است.

پیشنهادهای راهکارها

- ۱- از آنجا که هر برنامه موشکی شامل ابعاد مختلف فنی، حقوقی و بین‌المللی است و با توجه به خلأ ادبیات میان‌رشته‌ای (به ویژه در پژوهش‌های علمی به زبان فارسی)، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های مربوط به این حوزه از منظر میان‌رشته‌ای (روابط بین‌المللی، حقوقی و فنی) به موضوع پرداخته شود.
- ۲- ایالات متحده آمریکا، برنامه موشکی ایران را در امتداد برنامه هسته‌ای، به عنوان عرصه جدیدی برای پرونده‌سازی و تهدیدسازی با هدف اجماع علیه ایران در مجامع بین‌المللی در دستور کار قرار داده است. لذا پیشنهاد می‌شود که این رویکرد آمریکا در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با توسعه برنامه دفاع موشکی در نهادهای مربوطه مورد توجه قرار گیرد.
- ۳- با توجه به دو ستون اصلی رویکرد آمریکا (تهدیدسازی از «برد» و «قابلیت حمل کلاهک» موشک‌ها)، به نظر می‌رسد که ایالات متحده آمریکا بر استفاده از تمامی ظرفیت‌های نهادی، حقوقی و بین‌المللی موجود به منظور ایجاد اجماع بین‌المللی با هدف اخلال یا دست کم ایجاد محدودیت در حوزه برنامه موشکی و فضایی ایران تمرکز خواهد کرد.
- ۴- با توجه به اینکه هیچ رژیم حقوقی الزام‌آور بین‌المللی درباره برنامه موشکی به طور عام و برنامه موشکی ایران به طور خاص وجود ندارد، لذا ایالات متحده آمریکا تلاش خواهد کرد که رویکرد تهدیدسازی از برنامه موشکی ایران را از مسیر برنامه هسته‌ای و از طریق سازوکارهای موجود در شورای امنیت

سازمان ملل متحد (به ویژه گزارش‌های دوره‌ای دبیرکل در ارتباط با قطعنامه ۲۲۳۱) و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (گزارش‌های دوره‌ای آژانس و نشست شورای حکام) پیش‌برد. لذا توجه به این مسئله در سیاست‌گذاری‌های دستگاه دیپلماسی کشور ضروری است.

پی نوشت:

(۱) صدام تنها ۲۰ روز پس از شروع جنگ تحمیلی، حملات موشکی علیه ایران را آغاز و طی سالیان بعد نیز بیش از ۱۷۰۰ بار تکرار کرد (Rabin, 2006: 63). ایران در طول جنگ و حتی پس از دستیابی به موشک هیچ‌گاه آغازگر حملات موشکی نبود و این موید نقش بازدارنده و دفاعی برنامه دفاع موشکی ایران از ابتدای دستیابی به این فناوری تاکنون است که در دکترین دفاعی ایران نقش برجسته‌ای دارد.

(۲) دلیل نامگذاری این موشک‌ها مسیری است که این موشک‌ها به صورت منحنی و در قالب مکانیک پرتابه ای طی می‌نماید.

(۳) علاوه بر معیار تقسیم‌بندی برد، موشک‌ها را به لحاظ سوخت (مایع و جامد) نیز تقسیم‌بندی می‌کنند. موشک‌های با سوخت جامد به لحاظ اقتصادی با صرفه‌تر و نگهداری آنها آسان است و می‌توان این نوع سوخت را برای سال‌های زیادی نگهداری کرد. سوخت جامد همچنین امکان پرتاب سریع‌تر را فراهم می‌کند و به طور کلی در جنگ کمتر آسیب‌پذیر هستند. همچنین مفهوم دایره خطای احتمالی^۱ مفهومی است که در تقسیم‌بندی موشک‌ها به لحاظ دقت مورد استفاده قرار می‌گیرد. هرچه میزان این دایره کوچکتر باشد، دقت موشک بالاستیک نیز بیشتر خواهد بود.

(۴) رژیم کنترل موشکی هم اکنون ۳۵ عضو دارد که عبارتند از: آرژانتین، استرالیا، اتریش، بلژیک، بلغارستان، برزیل، کانادا، جمهوری چک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، مجارستان، ایسلند، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، لوکزامبورگ، هلند، هند، نیوزلند، نروژ، لهستان، پرتغال، کره جنوبی، فدراسیون روسیه، آفریقای جنوبی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه، اوکراین، انگلستان، آمریکا.

1. Circular Error Probable (CEP)

منابع

- امیدی، علی و سعیده مرادی فر (۱۳۹۳)، «برسازی امنیتی فعالیت هسته‌ای ایران»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره ۴: صص ۱۲۱-۱۴۹.
- امینیان، بهادر و شفق ضمیری جیرسرای (۱۳۹۵). «تأثیر رژیم کنترل تکنولوژی موشکی بر امنیت ملی و توان بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، شماره ۳۲: صص ۴۱-۶۲.
- بشری، اسماعیل (۱۳۹۴)، «مسئله تحریم‌های موشکی و تسلیحاتی در برجام و قطعنامه ۲۲۳۱»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۸۸.
- بوزان، بری، ویور، الی و وویلند، جپ (۱۳۸۶)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و سحر پیرانخو (۱۳۹۶)، «تحول فناوری موشکی و راهبرد دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال ۲۶، شماره ۸۳: صص ۷۳-۵۱.
- خادم حسینی، احمد (۱۳۸۶)، «موشک‌های بالستیک»، فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال سوم، شماره ۸ و ۹ بهار ۱۳۸۶.
- شکارچی، ابوالفضل (۱۱ آذر ۱۳۹۷)، «آزمایش و توسعه موشکی را ادامه می‌دهیم»، خبرگزاری فارس، قابل دسترس در: <https://www.farsnews.ir/printnews/13970911001100>
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و سید یوسف قرشی (۱۳۹۱)، «نظریه و روش در مطالعات امنیتی کردن»، مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، شماره ۴، صص ۴۲-۷.
- زارع زاده ابرقویی، رسول (۱۳۹۶)، «نگاه کنه‌نگاری به امنیتی سازی: مبانی و چالش‌ها»، فصلنامه آفاق امنیت، سال دهم / شماره سی و ششم، پاییز ۱۳۹۶.
- شیهان، مایکل (۱۳۸۸)، امنیت بین‌الملل، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد، (۲۰۱۵)، قابل دسترس در پایگاه اینترنتی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران: قابل دسترس در: <https://mfa.gov.ir/portal/newsview/31178>
- سلامی، حسین (۱۴ بهمن ۱۳۹۷). «اگر اروپا توطئه کند به یک جهش استراتژیک روی می‌آوریم»، کیهان، قابل دسترس در: <http://kayhan.ir/fa/news/153985/>
- Anadolu Agency(2019), Berlin concerned over Tehran's missile program, December12,2019, available at: <https://www.aa.com.tr/en/europe/berlin-concerned-over-tehrans-missile-program/1666351>
- Bahgat, G. (2019). Iran's Ballistic-Missile and Space Program: An

Assessment. Middle East Policy, 26(1), 31-48.

- Bermudez, J. (1992) **“Ballistic Missiles in the Third World - Iran’s Medium-Range Missiles.”** Jane’s Intelligence Review, April 1992.
- Cordesman, A. H., & Al-Rodhan, K. R. (2006). Iran’s Weapons of mass destruction: the real and potential threat (Vol. 23). CSIS.
- Cordesman, A. H. (2019), The Iranian Missile Threat, available at: <https://www.csis.org>.
- Council of the European Union (2019), Iran: Council adopts conclusions, 04/02/2019, available at: <https://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2019/02/04/iran-council-adopts-conclusions/>
- Elleman. M(2019). Why Iran’s satellite launch does not amount to an ICBM test, The International Institute for Strategic Studies, 17th January 2019.
- Ervin, S (2020), Pompeo blasts Iran’s space program in wake of military satellite launch, Space News, Apr 26 2020.
- European Parliamentary Research Service (2020), EU-Iran: The way forward Can the JCPOA survive the Trump presidency?, July 2020.
- Fischhendler Itay and Katz David (2013) **“The Use of Security Jargon in Sustainable Development Discourse: Evidence from UN Commission on Sustainable Development”**, Int Environ Agreements.
- Hildreth, S. A. (2012). Iran’s Ballistic Missile and Space Launch Programs (Vol. 42849, p. 19). Congressional Research Service.
- Hildreth, S. A. (2020). Iran’s Ballistic Missile and Space Launch Programs. Congressional Research Service. Available at: <https://fas.org/sgp/crs/nuke/IF10938.pdf>
- <https://fas.org/nuke/intro/missile/basics.htm>
- Izewicz, P. (2017). Iran’s Ballistic Missile Programme. Its Status and the Way Forward. EU Non-Proliferation Consortium, Non-Proliferation Papers No.
- Karako, T. (2019). The Missile Defense Review. Strategic Studies Quarterly, 13(2), 3-15.

- Karako, T., & Williams, I. (2017). *Missile defense 2020: next steps for defending the homeland*. Rowman & Littlefield.
- Katzman, K. (1998) *Iran's Long-Range Missile Capabilities*. Report of the Commission to Assess the Ballistic Missile Threat to the United States, 198-99.
- McDonald, M. (2008). *Securitization and the Construction of Security*. *European journal of international relations*, 14(4), 563-587.
- Michelle Nichols (2020). **"Arms seized by U.S., missiles used to attack Saudi Arabia 'of Iranian origin': U.N"**. Reuters (JUNE 12, 2020), available at: <https://missiledefenseadvocacy.org/missile-threat-and-proliferation/missile-basics/ballistic-missile-basics>.
- Ozga, Deborah A. (1), **"A Chronology of the Missile Technology Control Regime"**, *The Nonproliferation Review*, www.nonproliferation.org.
- Reuters(2019), *France tells Iran new sanctions loom if missile talks fail*, JANUARY 25, 2019, available at: <https://www.reuters.com/article/us-france-iran/france-tells-iran-new-sanctions-loom-if-missile-talks-fail-idUSKCN1PJ19P>
- Rezaei, F. (2016). *Iran's Ballistic Missile Program: A New Case for Engaging Iran?*. *Insight Turkey*, 18(4), 181-208.
- Rubin, Uzi. (2006) **"The Global Range of Ballistic Missile Program"**, *Jerusalem Center for Public Affairs*, Vol.5, No.26.
- South, Todd, Rempfer, Kyle, Snow, Shawn, Altman, Howard and David B. Larter (2019), *What war with Iran could look like*, *Military Times*, (June 4, 2019), available at: <https://www.militarytimes.com/news/2019/06/04/what-war-with-iran-could-look-like>.
- Stritzel, H. (2007). *Towards a theory of securitization: Copenhagen and beyond*. *European journal of international relations*, 13(3), 357-383.
- *The Middle East and North Africa section*. Department of Defense Proliferation Report. November 26, 1997. P.2.
- *Theguardian* (2018), *Iran missile tests may breach UN resolution, France and UK warn*, December 3, 2018, available at: <https://www.theguardian.com/world/2018/>

dec/03/iran-missile-tests-may-breach-un-resolution-france-uk-warn

- Thenational(2018), French minister to discuss missile programme and nuclear deal with Iran, January 22, 2018, available at: <https://www.thenational.ae/world/europe/french-minister-to-discuss-missile-programme-and-nuclear-deal-with-iran-1.697453>
- Trainer, Mark (06/07/2019), Iran nuclear deal didn't stop Iran's aggression, Share America, available at: <https://share.america.gov/iran-nuclear-deal-didnt-stop-irans-aggression/>
- U.S. Department of State(2019), Iran's New Sanctions Designations on Iran's Space Program, September 3, 2019, Available at: <https://www.state.gov/new-sanctions-designations-on-irans-space-program/>
- U.S. Virtual Embassy Iran(2018), Brian Hook on Iran's Missile Proliferation, September 19, 2018, available at: <https://ir.usembassy.gov/brian-hook-on-irans-missile-proliferation/>
- Wæver, O. (1993). Securitization and desecuritization. Copenhagen: Centre for Peace and Conflict Research.